

(حق الترجمة)

این مقاله فصلی است از کتاب «طریقه ترجمه» تألیف آقای مجد العالی که هنوز بطبع نرسیده

ارمغان

(کلیات)

برای مصنف یا مؤلف از کتابش دو حق مختلف حاصل میشود .

اول : حق مالکیت ادبی (معنوی)

دوم : حق مالکیت صناعی (مادی)

حق مالکیت ادبی : حقی است که آداب کتابت حدم آنها را برده و مصالح نویسنده ایجابش می نماید .

حق مالکیت صناعی (مادی) : آنستکه نویسنده یا جامع کتاب بسبب آن

کسب اموال نموده و منتفع می گردد .

نویسنده یا جامع کتاب مالک آنست همانطور که :

هر مالکی نسبت بمایملک خود حق همه گونه تصرف و انقاع را دارد .

نویسنده یا جامع کتاب هم نسبت بکتاب خود حق همه گونه تصرف و نفاع

دارد . زیرا کتاب چکیده قریحه و ثمره عقل نویسنده و جامع آنست بنابراین :

اگر کسی بدون اذن مالک یا خارج از حدود متعارف مایملک او را مورد

استفاده قرار دهد متعدی بشمار میرود .

منشاء حق الترجمة

حق الترجمة - هم از متعاقبات و ثمرات این مال « تصنیف - یا تألیف »

خواهد بود - چه آنکه -

طبعاً حاصل شده و از اموال تبعی است .

و دیگری بدون اجازه و اذن مالکش حق ندارد آنها بزبانی غیر از زبان اصلی

ترجمه کند .

فرضاً : اجازه ترجمه را صاحب کتاب بدیگری داد - این حق برای شخص مجاز محفوظ میماند و بعداً دیگری حق تغییر یا نشر این ترجمه را گماهی ندارد

مطابق اصول کلیه : حقوق مختلفه برای اشخاص نسبت باموال وقتی حاصل میشود که سجاذاً و مشروعاً زحماتی کشیده و رنجیائی در پیدایش آن برده باشند و گرنه عامل متجاوز و متعدی است

حق الترجمة در ممالک دیگر

در ممالک دیگر مرسوم است - مترجم نمونه از ترجمه خود را برای مصنف یا مؤلف کتاب فرستاده و از او استیذان می نماید .

ممکن است نویسنده کتاب به بیند مترجم ترجمه را خوب عهده نگرفته اجازه ندهد - زیرا اگر ترجمه خوب عهده نشده و مقصود نویسنده کتاب برگزار نکرده - باصل کتاب و موضوع لطمه وارد آمده و از قدر کتاب بکاهد .

گویند : مترجمی نمونه ترجمه را با مقداری پول برای نویسنده استانی فرستاد - اتفاقاً در همان موقع مترجم دیگر نمونه ترجمه بدون پول فرستاده و استجازه نموده بود - نویسنده کتاب دید مترجم اول درست نتوانسته ترجمه را عهده کند و مترجم دوم بخوبی از عهده برآمده - پول مترجم اول را رد کرده - بمترجم دوم اذن داد .

شاید نظر دیگر از استیذان باشد : نویسنده کتاب آن زبان را که مترجم اراده ترجمه کتاب را بدان کرده - خوب بداند و خودش قبلاً آن را ترجمه کرده باشد ،

نظام موضوع

حقوق مصنفین و ارباب قلم در اندکستان بشرح آتی :

« مصنف یا مؤلفیکه در زندگی کتاب خود را بطبع میرساند - حقوق آن مادام الحیوة برای شخص خودش محفوظ و پس از مرگ این حقوق برای وراثت او تا هفت سال باقی خواهد بود - بشرطیکه از تاریخ طبع و نشر مرتبه اولی تا اقصاء هفت سال مذکور کمتر از چهل و دو سال نباشد اگر پس از مردن مصنف یا مؤلف برای اولین دفعه کتاب طبع و نشر شود و از تاریخ طبع و نشر تا اقصاء چهل و دو سال این حق برای ورثه برقرار میماند ... »

بموجب قوانین مخصوصه که آنرا کاپیرایت می گویند تأمین شده است. در سال ۱۹۰۳ میلادی - ارباب قلم نهضت کرده - تعدیل قانون مذکور را خواستار شدند - زیرا مدت مضروب به (۴۲ سال) کفایت حفظ حقوق وراثت را نمی کرد - کم منتفع میشدند - بلکه پس از چهل و دو سال برای آنان امید نفع میرفت

حق الترجمة در ایران

چون هنوز شعبه مخصوصه - کمیون هم کاری معارف - دار الانشاء جامعه ملک راپرتی راجع بمسائل متعلقه - مالکیت آثار معنوی - دنیا نداده است در ایران هم مانند سایر ممالک برای حق الترجمة قانون خاصی وضع شده ولی حقوق مترجمین در ضمن حقوق منصفین و مؤلفین محفوظ است .

مثلا : قانون گزار در فقره - ب - از قسمت اولی ماده هشتم قانون اصول محاکمات - قرقی مصوب بیست و ششم رمضان ۱۳۲۹ در کمیون عدلیه مجلس شورای مای در صلاحیت محاکم صالحیه - نوشته : ... دعاوی راجعه بدیون از قبیل ثمن و مبیع و قرض و اجرت عمل کارگروشا کرد و خادم و حق الجعالة و حق الوکاله و حق النفقة و الکسوة و حق لسبق و امثال آن و دعاوی راجعه بخسارت و غرامت از قبیل - خسارات وارده بر حاصل و محصول زراعتی و مستغلات و املاک و امثال آن .

بعد درسی و دوم جو زای ۱۳۰۲ مطابق هفتم دی اقعده ۱۳۴۱ - از نظر حفظ

حقوق مصنفین و مؤلفین بقدره - مذکور را بشرح ذیل اصلاح می نماید .
 ثانیاً : دعوی ضرر و خسارات ناشی از امتیازات از قبیل حق الطبع و حق التصنیف
 و امثال (۱) آن .. لذا - میتوان دعوی حق الترجمه را در محاکم عدلیه ایران
 اقامه نمود - زیرا موافق فقره قانونی مشارالیه مورد رسیدگی واقع گردیده
 و حکم داده خواهد شد - چه آنکه عبارت مذکور عمومی دارد که دعوی مزبور
 داخل در آنست و حق الترجمه هم از حق الطبع انفکاک ندارد بندرت اتفاق می افتد
 که مترجم برای غرض خاصی (غیر از طبع و نشر) کتاب یا موضوعی را
 ترجمه نماید .

بطوریکه از مواد ثلث - ۷۰۲ و ۷۰۳ و ۷۰۴ مبحث اول فصل پنجم از باب ششم
 قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب نوزدهم ذی القعدة ۱۳۲۹ در کمیسیون عدلیه
 مجلس شورای ملی - در فروش مال منقول - برمی آید اینست که :
 حق مالکیت ادبی یا صناعی بخریدار مصنفات یا مترجمات انتقال پیدا نمیکند
 و اگر حق طبع و التشار - خریداری شده یا انتقال یافته باشد و منتقل الیه نسبت
 به مصنف یا مترجم تعهدی قبول کرده باشد (در مقام تادیه دین که تصنیف و ترجمه
 بفروش میرسد) باید قبلاً خریدار اجرای تعهد مزبور را بعهده بگیرد .
 و مفهومی مخالفش این میشود که اگر خریدار تعهدات مدیون را که نسبت بمترجم
 یا مصنف قبول کرده - بعهده بگیرد فروش تصنیف یا ترجمه باو جایز نیست -
 چنانچه در ماده ۷۰۴ همین قانون مبین است .

۱ - غیر از چاپ اول این قانون اصلاحی - در سایر چاپها عموماً عبارت چنین شده
 است : از قبیل حق الطبع و حق التصنیف و امثال و غیر آن ... بطوریکه در مقاله (اغلاط قوانین
 عدلیه) که مدرج در صفحه ۳۶۶ شماره پنجم سال چهاردهم مجله ارمغان است مدلل داشتیم دو کلمه
 (و - غیر) بکلی زائد است .

مؤید : این نظر وضع مواد ۲۴۴ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ قانون مجازات عمومی مورخ هفتم بهمن ۱۳۰۴ در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی و ماده ۷۰ مبحث اول فصل ششم نظامنامه اجراء مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء - قابل اجراء از اول مرداد ۱۳۱۱ می باشد .

مستندات قانونی موضوع

قانون مدنی - قابل اجراء از یستم اردی بهشت ۱۳۰۷ .

ماده سی ام

هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع را دارد - مگر در مواردیکه قانون استثناء کرده باشد .

ماده سی و دوم

تمام ثمرات و متعلقات اموال منقوله و غیر منقوله که طبعاً یا در نتیجه عملی حاصل شده باشد بالتبع مال مالک اموال مزبوره است .

ماده نهمصد و پنجاه و یکم

تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری .

ماده نهمصد و پنجاه و دوم

تقصیر اعم است از تفریط و تعدی .

قانون اصول محاکمات حقوقی (صاحبه) مصوب بیست و ششم رمضان ۱۳۲۹

در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی .

فقره - ب از قسمت اولی ماده هشتم

دعاوی راجعه ب دیون از قبیل ثمن و مبیع و قرض و اجرت عمل کارگر و شاگرد و خادم و خادمه و حق الجعالة و حق الوکالة و حق النفقة و الکسوة و حق السبق و امثال آن و دعاوی راجعه بخسارت و غرامت از قبیل خسارات وارده بر حاصل و محصول زراعتی و مستغلات و املاک و امثال آن - در صورتیکه مدعی به بیش

از مبلغ دوست و پنجاه تومان نباشد یا در هنگام اقامه دعوی مقدار مدعی به را
توان صحیحاً تعیین کرد.

قانون موقت - تصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی راجع به محاکم
صلاحیه مصوب سی و دوم جوزای ۱۳۰۲.

فقره دوم از ماده هشتم

دعای ضرر و خسارات ناشی از امتیازات از قبیل حق الطبع و حق التصنیف
وامثال آن و دعای حقوقی ناشیه از امور جزائی در صورتیکه در هر یک ازین
دو مورد مدعی به بیش از چهارصد تومان نباشد. (۱)

قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب نوزدهم ذی القعدة ۱۳۲۹ در کمیسیون
عدلیه مجلس شورای ملی

ماده هفتصد و دوم

مصنفات یا مترجمات خطی و همچنین مصنفات و مترجمات چاپی که هنوز
برای خرید - فروش منتشر نشده بدون رضایت مصنفین یا مترجمین در حال - حیوة
آنان و بدون رضایت وراث و قائم مقام آنان در حال ممات بمعرض بیع نمی آید .
ماده هفتصد و سوم

هر گاه کسی مصنفات یا مترجمات دیگری را برای طبع و انتشار خود - یا
حق طبع را خریده یا با او منتقل شده باشد - فروش مصنفات یا مترجمات مذکوره یا
حق طبع جائز است ولی هر گاه تعهدی منتقل الیه نسبت بمصنف یا مترجم قبول کرده
باشد - خریدار ثانوی باید قبلاً اجرای تعهد مزبور را بعهده بگیرد .

۱ - مطابق ماده هیجدهم قانون تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ۱۳۰۷ در کمیسیون عدلیه
مجلس شورای ملی - حد نصاب صلح محدود - پانصد تومان شده که بموجب قانون - تعیین واحد مقیاس
پول قانونی ایران مصوب مجلس شورای ملی در ۲۷ - اسفند ۱۳۰۸ و قابل اجراء از اول فروردین ۱۳۰۹ -
پنج هزار ریال خوانده می شود .

ماده هفتصد و چهارم

ابتیاع مصنفات و مترجمات و پرده‌های نقاشی و سائر صنائع مستظرفه حق مالکیت ادبی یا صناعی را بخرنده نمی‌دهد.

قانون مجازات عمومی مصوب هفتم بهمن ۱۳۰۴ در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی

ماده دویست و چهل و پنجم

هر کس تصنیف یا تألیف دیگری را اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیره بدون اجازه مصنف یا مؤلف یا کسی که حق تالیف را از مصنف یا مؤلف تحصیل نموده است - کلاً یا بعضاً شخصاً یا توسط دیگری بطبع برساند بتأدیه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان محکوم خواهد شد. (۱)

ماده دویست و چهل و هشتم

کسیکه در تألیف یا تصنیف یا تحریرات مطبوعه خود - در غیر موردیکه اقتباس محسوب می‌شود - عین جمل تألیف یا تصنیف یا تحریر دیگری را بدون ذکر اسم مؤلف یا مصنف یا محرر آن ذکر کند بحد اقل مجازات مذکور در ماده فوق محکوم خواهد شد

ماده دویست و چهل و نهم

هر کس کتاب یا سائر اشیاء مذکور در ماده - ۳۴۵ را با علم و اطلاع بفروشد یا بمعرض فروش درآورد یا بخاک ایران وارد کند بتأدیه غرامت از بیست و پنج الی دویست تومان محکوم خواهد شد.

ماده دویست و چهل و دهم

هر کس تصنیف یا تألیف دیگری را اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیره با اسم خود یا شخص دیگری غیر از مؤلف طبع نماید بتأدیه غرامت از پانصد

۱ - گذشت که مطابق - قانون تعیین مقیاس پول قانونی ایران - باید از پانصد الی

الی یک هزار تومان محکوم خواهد شد. (۱)

نظامنامه اجراء مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء - از مقررات وزیر عدلیه در

بیست و ششم اسفند ۱۳۱۰ و قابل اجراء از اول مرداد ۱۳۱۱

ماده هفتاد و پنجم

تصنیفات و تالیفات و ترجمه‌های خطی و همچنین تصنیفات و تالیفات و ترجمه

های چاپی که هنوز برای خرید و فروش منتشر نشده بدون رضایت مصنف

و یا مترجم و یا قائم مقام و یا وراثت آنان بمعرض فروش گذاشته نمی‌شود.

(اساتید باستان)

﴿صفي الدين بستي﴾

بروزی که دل سیر گردد زجان بجائی که تن باز ماند ز جابه

بریزد ز تن تیغ سرها چنان که باد خزان برک در تیر ماه

بری گشته عقل از سر جنگجوی روان گشته جان از تن کینه خواه

پر از جان بی شخص گردد فلک پر از شخص بی جان شود رزمگاه

(تعریف شب اسدی راست)

شبی بود زنگی سیه تر ز زاغ مه‌نو چو دردست زنگی چراغ

سیاهیش برهم سیاهی پسندیر چو موج از بر موج دریای قیر

چو هندیو بقیر اندر اندوده روی سیه جامه بر رخ فرو هشته موی

(۱) - موافق ذیل ماده دویست و هفتاد و هفتم همین قانون - امکان تعقیب جرائم مندرجه

در مواد ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۸ موکول بشکایت مدعی خصوصی است غیر از جرم مندرج در ماده ۲۴۷ -

که بدون شکایت - مدعی خصوصی هم تعقیب آن امکان دارد - و مطابق قانون راجع بموارد

تعلیق مصوب ۱۶ بهمن ۱۳۰۷ در کمیسیون عدلیه مجامع شورای ملی - تعلیق اجرای مجازات مرتکبین جرائم

این چهار ماده نیز ممکن خواهد بود.